

جغرافیا

دانش گذشته

حال

و آینده (قسمت دوم)

دکتر شوکت مقیمی

ابعاد فرهنگی جغرافیا

درک نقادانه تجربه های زندگی و خود شخص را نیز شامل می شود.

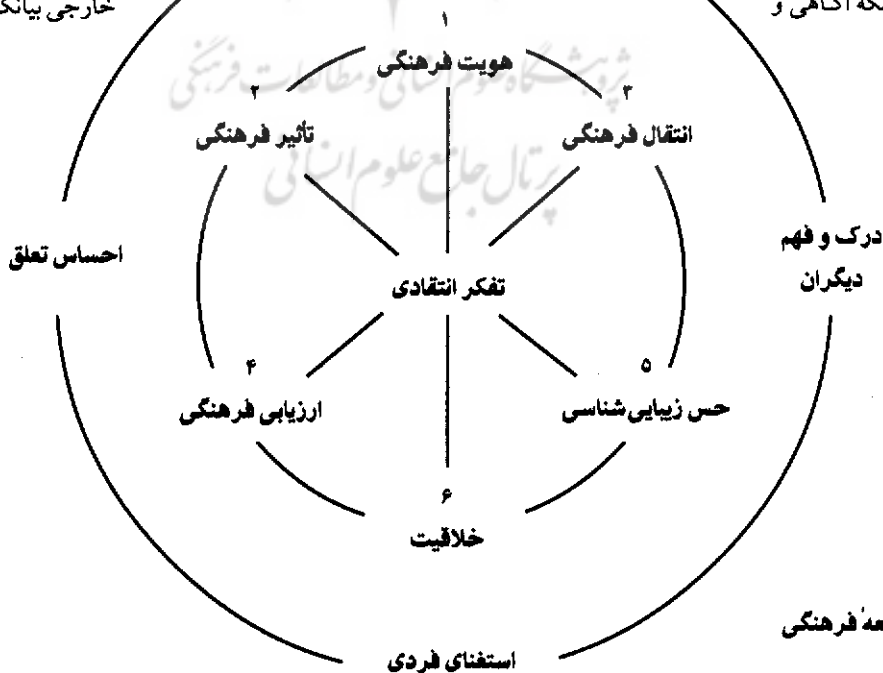
مفاهیم اساسی و کلیدی بُعد فرهنگی، «هویت فردی و جمعی»، «تعلق خاص»، «مالکیت» و «گونگونی و تنوع» هستند. معلمان و برنامه ریزان می توانند، با طراحی و آموزش مهارت ها، دادن اطلاعات و تقویت ارزش هایی همچون احساس تعلق و چگونگی ارتباط با سایر فرهنگ ها و گروه ها، نقش مهمی در انتقال فرهنگی ایفا کنند. در شکل ۱، دایره داخلی رابطه

«فرهنگ» عبارت است از مجموعه ویژگی های مادی و معنوی، و فکری و احساسی متمایزی که خاص یک جامعه یا گروه اجتماعی باشد. فرهنگ به ایده ها، ارزش ها، فرایندها و تولیدات مؤثر بر شیوه تفکر و احساس و زندگی مردم اطلاق می شود. فرهنگ هر کشور به فرهنگ تحصیل کردگان و دانش آموختگان آن کشور محدود نیست، بلکه با فرهنگ مردمی و میراث فرهنگی هم ارتباط دارد. بُعد فرهنگی، تنها هنرهای خلاق و ابتکاری را دربرنمی گیرد، بلکه آگاهی و

دانش، مهارت و ارزش را با «تفکر انتقادی» نشان می دهد. دایره خارجی بیانگر هدف ها یا نتایج

درک و احساس هویت

درک و فهم دیگران



شکل ۱. رشد و توسعه فرهنگی

حاصل از توسعه فرهنگی است. «سواد فرهنگی» به دانش مورد نیاز مردم گفته می‌شود که برای مطالعه در زمینه‌های نژادی، فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر فرهنگ ملی، لازم و ضروری است.^۱ فرهنگ اول فرد، به وابستگی او به نژاد، ناحیه و محل زندگی‌اش که بدان پای بند است، اختصاص دارد. فرهنگ دوم جهانی است و در آن، مردم از طریق زبان اطلاعات، کنایه‌ها و تصورات و انگاره‌ها با یکدیگر ارتباط دارند. در جغرافیا، در ساخت اصطلاحاتی از دانش محلی و اطلاعات جهانی درباره فرایندها و رویدادهای ویژه و مخصوص جهان (مانند مناطق زلزله خیز یا مسیر حرکت مهاجران)، تشریح مساعی وجود دارد. (شکل ۱)

مردم هر کشور باید قادر به گفت و گو با یکدیگر باشند. علاوه بر این، باید بتوانند، در مورد مسائل مشترک نیز با هم به گفت و گو بنشینند. اگر چارچوبی برای بیان و گفت و گوی فرهنگی مطرح شود، با آموزش جغرافیا می‌توان به دانش آموزان کمک کرد تا بخش‌هایی از این بیانیه را درک کنند. بحث توسعه فرهنگی به طور جدی در آموزش جغرافیا قابل طرح است و از این طریق می‌توان، به آموزشی برای گفت و گو دست یافت. به این منظور، دانش آموزان باید به مواردی به شرح زیر بپردازند:

● شناخت باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، و گذشته تاریخی که شکل دهنده پایه استنباط و بینش و مبین انسجام و یکپارچگی یا برخوردها و مخالفت‌ها در گروه‌ها و جوامع، در گذشته و حال است.

● آشنایی با این امر که شناخت هر فرد در حیطه طیفی از تأثیرات فرهنگی در سطوح محلی، ناحیه‌ای، ملی، قاره‌ای و جهانی قرار دارد.

● تبیین چگونگی جنبه‌های فرهنگی مؤثر در شیوه‌های تفکر، احساسات، ابداعات، رفتار و زندگی فردی، گروهی و اجتماعی.

● مطالعه و بررسی جنبه‌های گوناگون فرهنگ‌هایی که با یکدیگر تعامل دارند، تغییر می‌یابند یا باقی می‌مانند. تشخیص مشارکت فرهنگ‌ها از نظر تولید دانش، رویدادهای تاریخی، ویژگی‌های فردی و گروه‌های ویژه برای ارزیابی فرهنگ‌های مختلف.

● آشنایی با اشکال گوناگون درک و فهم و تجربه، آداب و رسوم، مجموعه آثار و گنجینه‌های فرهنگ‌ها، و چگونگی رشد ادراکات و احساس زیبایی‌شناختی و فرهنگ لغات آن‌ها.

● بررسی و بیان باورها، ایده‌ها، احساسات و اقدامات جوامع از طریق اشکال گوناگون ارتباطی.

● طرح سؤال‌ها، تجزیه و تحلیل و ارزیابی پاسخ‌ها و عکس‌العمل‌های افراد در موقعیت‌ها و شرایط فرهنگی یکسان.

شناخت هویت و حفظ آن

دانش آموزان همیشه نسبت به محل زندگی و محیط اطراف خود بیش از سایر مناطق و حتی کشورشان دلبستگی و علاقه نشان می‌دهند؛ زیرا در آن‌جا هویت خود را به راحتی شناسایی می‌کنند. هر جامعه از مجموع افرادی که در آن فضا و مکان زندگی می‌کنند، تشکیل می‌شود و هویتی که اساس آن بر احساس تعلق و وابستگی به یک گروه همسان استوار است، در افراد به وجود می‌آورد. افراد، به ویژه کودکان و جوانان، باید بدانند کیستند، از کجا آمده‌اند، برای چه در این‌جا هستند، چگونه با دیگران باید ارتباط برقرار کنند و چگونه آن‌ها را درک کنند.

دانش آموزان باید بیاموزند که هویت فرهنگی خود را حفظ کنند و آن را به دیگران انتقال دهند. برای رسیدن به این هدف لازم است، به دانش، شناخت و مهارت کافی و متناسب با محیط زندگی خود مجهز باشند. رسانه‌های ارتباطی به ویژه تلویزیون‌های بیگانه، از طریق سیستم‌های ماهواره‌ای جوانان را وارد جهانی می‌کنند که در آن، بین خواسته‌های جوانان و بزرگ‌سالان و فرهنگ قومی و ملی، تضاد چشم‌گیری وجود دارد. در چنین شرایطی، مهارت‌ها، فعالیت‌ها و فرهنگ‌هایی که پایه و اساس زندگی به شیوه سنتی و قومی هستند، رو به انحطاط و ضعف می‌روند. بنابراین، هنگامی که اطلاعات علمی و فرهنگی مانند بمب، مغز هزاران بلکه میلیون‌ها کودک، جوان و بزرگ‌سال را مورد تهاجم قرار می‌دهد، ما در کشورمان جز با تقویت فرهنگ غنی «اسلامی-ایرانی» و تقویت ایمان و اعتقاد به آرمان‌های «دینی-ملی»، نمی‌توانیم در مقابل جنبه‌های منفی این سیل خروشان مقاومت کنیم.

آموزش جغرافیا، دانش آموزان را برای زندگی در شهر، روستای محل زندگی، کشور و جهان آماده می‌سازد. به آنان هویتی می‌بخشد که مبتنی بر سلسله مراتب است و در این سلسله مراتب، محل تولد و محل زندگی اجزای ثابت محسوس می‌شوند. وابستگی منطقه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا سبب می‌شود تا عوامل هویت در مکان، دارای معنی و مفهوم شوند. حافظه جمعی، فرهنگ و اساطیر، زیربنای اصلی هویت را تشکیل می‌دهند.

برای این که جوانان هویت خود را پیدا کنند، ابتدا باید بدانند

محل زندگی آن‌ها در جهان چه موقعیت و شرایطی دارد و چرا به این صورت درآمدی است. این امر برنامه‌ریزان و معلمان را موظف می‌کند که برنامه‌ریزی را توسعه دهند تا برای پرسش‌های دانش‌آموزان پاسخ مناسبی تدارک ببینند؛ پرسش‌هایی از این دست:

● انسان و جغرافیا در جامعه چه وضعیتی دارند؟ (مکان، فضا، ارتباط محیط و مردم)

● انسان و جغرافیا در جامعه چه نقشی ایفا می‌کنند؟

● مردم چگونه باید درک کنند و ادراکات خود را چگونه با تاریخ، اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی و محیط‌های طبیعی مؤثر در زندگی پیوند دهند؟

● مردم با شناخت هویت، آرمان‌ها و احساس تعلق، مقاصد و هدف‌های خود در زندگی، چه چیز را باید تدارک ببینند؟

شناخت پیوستگی جهان

جهان امروز، جهانی به هم پیوسته است. فناوری جدید، وسایل و ابزاری را در اختیار انسان قرار داده که به وسیله آن‌ها، جهان به صورت مجموعه‌ای نظام‌دار (سیستماتیک) و به هم پیوسته درآمدی است. این پیوستگی با پیشرفت فناوری روز به روز بیش‌تر می‌شود. اگر در یک روستا، کارخانه یا شهر پیشرفته به دست آید، بر سایر نقاط جهان اثر خواهد گذاشت؛ ولو این اثر اندک و جزئی باشد. اگر در گوشه‌ای از جهان اکتشاف، اختراع، تحول فکری یا کودتایی روی دهد، در کشور، شهر و حتی روستایی دور دست، تأثیر آن را می‌توان دید. توان و زیبایی جغرافیا به ما اجازه می‌دهد که شبکه‌های ارتباطی بین مردم، مکان‌ها و محیط‌ها را ببینیم، آن‌ها را درک کنیم و از آن‌ها استفاده کنیم.

جغرافی دان، در مقیاس کوچک می‌تواند، رابطه بین فعالیت فروشنده محلی و شلوغی خیابان‌ها، شیوه‌های کاربری اراضی کشاورزی و سیاست مسوولان امور املاک را تشخیص دهد. در مقیاس بزرگ نیز او می‌تواند از رابطه بین توفان‌های شدید و ضررهای احتمالی ناشی از تصادف اتومبیل‌ها در جاده‌ها، یا حرکت فصلی کارگران مهاجر جویای کار و گردشگران در جست‌وجوی آفتاب سوزان و گرم، در سطح و مقیاس جهانی آگاه شود. فردی که دارای اطلاعات جغرافیایی است می‌تواند، ارتباط بین دوره‌های خشک‌سالی و انسان‌های گرسنه ساحل آفریقا، صدمات ناشی از انفجار اتمی «چرنوبیل» و تأثیر طولانی مدت آن‌ها بر سلامتی انسان، تأثیر تشکیل اتحادیه اروپا در اقتصاد جهانی و نقش قطع درختان جنگل‌های استوایی در آب و هوای جهان را درک و احساس کند.

دانش‌آموزان باید بتوانند به صورت نظام‌دار فکر کنند، پدیده‌ها و وقایع را با مجموعه پیچیده‌ای از تعامل‌ها ببینند، و از ماهیت

نظام‌مند جهان درک درستی کسب کنند. بدانند که گذشته، حال و آینده با هم ارتباط دارند و در هم تنیده‌اند و بین مسائل جهانی وابستگی‌های متقابلی وجود دارد. آن‌ها باید بتوانند درکی فراگیر از توانایی‌های خود داشته باشند و استقلال و اقتدار فردی خود را تعالی بخشند.

ابعاد اخلاقی

اخلاق هر فرد مجموعه‌ای از باورها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جامعه، قوانین اجتماعی و آداب و رسوم است. این ترکیب در انجام کارهایی که با عمل صحیح یا غلط همراه است، اغلب با تنش و کشش شخصی همراه می‌شود. اکثر مدارس برای رشد دادن عادت‌ها و خصوصیات مورد نظر فرد، قوانین و سیستم‌هایی دارند. ارزش‌ها و هنجارهایی را تشویق می‌کنند یا با برخی از آن‌ها مخالفت می‌ورزند و از آموزش آن‌ها سر باز می‌زنند. از گذشته‌های دور، ابعاد اخلاقی در آموزش جغرافیا مطرح بوده است. به همین دلیل، برای برنامه‌ریزی و آموزش «آینده‌نگر» لازم است، برنامه‌ریزان و معلمان جغرافیا به این جنبه از آموزش توجه کنند؛ از جمله:

● به دانش‌آموزان کمک کنند، نسبت به ابعاد اخلاقی موضوعات و شیوه‌های تشخیص درست از نادرست شناخت پیدا کنند تا بینش و بصیرت آن‌ها تقویت شود و بتوانند به مجموعه‌ای از تعهدات و اعتقادات که راهنمای زندگی آن‌ها باشد، دست یابند.

● به دانش‌آموزان امکان و فرصت دهند تا دیدگاه‌ها، احساسات و ارزش‌ها و علایق خود را بیان کنند.

● دانش‌آموزان را تشویق کنند، در برابر کارها و انتخاب‌های خود احساس مسوولیت داشته باشند و پیامدهای آن‌ها را به عهده بگیرند.

● برای راهنمایی دانش‌آموزان، در مورد رفتارها و اعمالی که می‌توانند تغییر ایجاد کنند، ارزش‌های مستدل و اصولی ارائه دهند.

● دانش‌آموزان را به سمت علایق و دل‌بستگی‌های صحیح راهنمایی کنند.

ارزش‌ها

ارزش‌ها مبنای جهان‌بینی ما را تشکیل می‌دهند و به مدد آن‌ها، تجربه‌های خود را تفسیر می‌کنیم. اگر این اصول را به دانش‌آموزان بیاموزیم، و به آن‌ها بی‌تفاوتی، بی‌ارتباط بودن ارزش‌ها با آمادگی برای زندگی آینده، و بی‌توجهی به اخلاق و معنویات را القا کنیم، تعلیم و تربیت بدون هدف خواهد شد. چند مورد از مهم‌ترین ارزش‌ها در جغرافیا عبارتند از:

همزیستی: هنگامی آموزش «همزیستی مسالمت‌آمیز» از طریق آموزش درس جغرافیا امکان‌پذیر است که دانش‌آموزان از تعلیمات مورد نیاز، از طریق این درس بهره‌مند شوند. ما نمی‌توانیم مکتب عقیدتی، ارزش‌ها و هنجارهای «دینی-ملی» را نادیده بگیریم. بلکه موظفیم، با نظام‌های ارزشی خود و دیگران آشنا شویم و ترتیبی اتخاذ کنیم که میان این نظام‌های متفاوت ارتباط برقرار شود.

مشارکت: دانش جغرافیا مردم را به مشارکت فعال و سازنده در امور مربوط به سیاره زمین فرامی‌خواند. با تقویت و تعمیق ارزش‌ها و دادن آگاهی‌های لازم به دانش‌آموزان، آن‌ها قادر خواهند بود، در امور جامعه خود و حتی جهان، مشارکت مؤثری داشته باشند و مهارت‌های لازم برای تصمیم‌گیری‌های اساسی و اقدامات اصلی برای اداره جامعه در آینده را فراگیرند. دانش‌آموزان باید شیوه‌های مشارکت در مدرسه و جامعه را بررسی و کشف کنند، نحوه مشارکت را تمرین کنند و قدرت تشخیص و قضاوت خود را برای شرکت در تصمیم‌گیری‌ها و مشارکت در فرایندهای اجتماعی پرورش دهند.

احساس تعلق: وظیفه اصلی جغرافیا ایجاد پل‌های ارتباطی بین مناطق مختلف جهان است. ما برای رسیدن به جهان شمولی باید از کلیه ابعادی که نزدیکی و همدلی ایجاد می‌کنند، درک کاملی به دست آوریم و از بی‌عدالتی‌های اجتماعی نیز آگاه شویم. به عبارت دیگر، جغرافیا به ما می‌آموزد که چگونه به محیط‌های زندگی و جهان احساس تعلق کنیم. مدت مدیدی است که در آموزش جغرافیا «احساس تعلق به مکان» مطرح شده است. این احساس که براساس روش‌های رایج در نیمه اول قرن حاضر تشخیص داده شد، معمولاً جنبه‌های ملی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

در سال ۱۹۹۶ میلادی، یک گروه‌مایی با هدف تعیین «ارزش‌ها» برگزار شد تا مشخص شود: «آیا ارزش‌هایی وجود دارند که جامعه بتواند روی آن‌ها به طور مشترک به توافق برسد؟» در جلسات گروه‌مایی، تعدادی از این ارزش‌ها شناسایی شدند. همه شرکت‌کنندگان در آن عقیده داشتند که جامعه به طور کلی با این بیانیه موافق خواهد بود. از ۵۰۰ نفر نیز نظر خواهی شد و پاسخ‌های آن‌ها نشان داد که در این زمینه توافق جمعی وجود دارد.

پیشنهاد همایش این نیست که مدارس و معلمان خود را به این ارزش‌های پیشنهادی محدود کنند. به علاوه، هیچ لزومی ندارد که «ارزش‌ها» به شیوه و روش خاصی تفسیر شوند. بیانیه ارزش‌ها در چهار محور «خود»، «روابط»، «جامعه» و «محیط» مطرح شد.

مفهوم ارزش

هر فرد، توان و ظرفیت عقلی، اخلاقی، معنوی و رشد فیزیکی خاصی دارد و باید فرصت‌هایی برای انعکاس تجربیات شخصی و فعالیت‌های اجتماعی داشته باشد تا بتواند آن‌ها را با یادگیری‌های قبلی‌اش ارتباط دهد و بینش جدیدی به دست آورد. او خود باید کشف کند و «خوب» و «بد» را از هم تشخیص دهد تا به رشد و بالندگی برسد. بر پایه ارزش‌ها، ما باید:

- درک و شناخت خود را از ویژگی‌ها، توانایی‌ها و ضعف‌هایمان تقویت کنیم.
- برای خود و انضباط فردی احترام قائل شویم.
- معنی و هدف زندگی، نحوه تصمیم‌گیری، و ایده‌آل‌های زندگی خود را تبیین و روشن کنیم.
- برای رعایت قانون و استفاده از امکانات، فرصت‌ها، استعدادها و توانایی‌های خود، مسؤولیت بپذیریم.
- در تمام مراحل زندگی، برای کسب دانش، خرد، درک و فهم، سعی و تلاش مداوم داشته باشیم.

ارزش‌ها

ما انسان‌ها را باید با خودشان مقایسه و ارزیابی کنیم. نباید براساس آنچه که دارند یا کارهایی که می‌توانند برای ما انجام دهند، آن‌ها را بسنجیم.

ما رابطه خود را با دیگران، براساس رضایت خاطر خود و خوب بودن آن برای جامعه، بسنجیم و ارزیابی می‌کنیم. بر پایه این ارزش‌ها و نگرش‌ها، ما باید:

- به تمام افراد بشر، از جمله کودکان احترام بگذاریم.
- از دیگران مراقبت کنیم و حسن‌نیت خود را در رفتار و معاشرت با آنان نشان دهیم.
- نشان دهیم که همه انسان‌ها مهم و باارزش هستند.
- وفاداری، صداقت و اعتماد خود را به دیگران نشان دهیم.
- با دیگران در کارها مشارکت و همکاری داشته باشیم.
- به تنهایی، خلوت و مالکیت خصوصی دیگران احترام بگذاریم.
- برای رفع اختلافات، گفت‌وگوی دوستانه و توأم با آرامش را پیش بگیریم.

ارزش‌های اساسی

ما برای حقیقت، آزادی، عدالت، حقوق انسانی و حاکمیت

قانونی ارزش قائلیم. به خانواده، به عنوان کانون عشق و محبت و حمایت از اعضای خود، احترام می‌گذاریم و آن را پایه و اساس اجتماع می‌دانیم. بر پایه این ارزش‌ها، ما باید:

- مسؤلیت خود را به عنوان یک شهروند درک کنیم و به آن عمل نماییم.
- ارزش‌ها و اقدامات مضر به حال فرد و جامعه را نپذیریم.
- از خانواده‌هایی که فرزندان خود را خوب تربیت می‌کنند و در رشد و ارتقای آن‌ها می‌کوشند، حمایت کنیم.
- به افراد در شناخت حقوق و قانون کمک کنیم.
- به رعایت قانون احترام بگذاریم و دیگران را به این کار تشویق کنیم.
- به مذاهب و فرهنگ‌های گوناگون احترام بگذاریم.
- دادن امکان و فرصت به همه را رواج دهیم و آن را تشویق کنیم.
- از افرادی که در زندگی شرایط مناسبی ندارند، حمایت کنیم.
- همچنین، سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار باید مردم را برانگیزند تا در فرایندهای مردم‌سالارانه، در تمامی بخش‌های اجتماعی، مشارکت داشته باشند. آن‌ها وظیفه دارند، مشارکت همگانی برای بهره‌برداری منصفانه از منابع فرهنگی و اقتصادی، و اولویت قائل شدن برای ارزش‌هایی همچون حقیقت، حسن‌نیت، امانت‌داری، درستی و صداقت در زندگی فردی و جمعی را تشویق کنند و ترویج دهند.

تفسیر می‌کنند. اطلاعات و تصاویر جدیدی که ذهن دریافت می‌کند، با گذشته ارتباط می‌یابند و براساس دیدگاه‌ها و پیش‌فرض‌های فردی، اولویت‌بندی و انتخاب می‌شوند و بقیه در حاشیه قرار می‌گیرند یا رد می‌شوند. در این امر باورها، عقاید، ویژگی‌های فرهنگی سطح آگاهی و طرز تفکر فرد نقش قاطعی دارد. شیوه تفکر فرد بر تحلیل و تفسیر و عکس‌العمل او نسبت به موضوع اثر می‌گذارد.

با این توضیحات، دانش‌آموزان باید دریابند که دیدگاه آنان نسبت به جهان مانند دیدگاه سایر افراد نیست. دیدگاه‌ها و نظرات افراد بشر تحت تأثیر عوامل گوناگونی مانند: سن، طبقه اجتماعی، فرهنگ، اخلاق، جنسیت، مکان‌های جغرافیایی، جهان‌بینی (ایدئولوژی)، زبان، ملیت و نژاد قرار می‌گیرد. پس لازم است، دانش‌آموزان تحمل دیدگاه‌های دیگران را داشته باشند تا بتوانند مفروضات خود را زیر سؤال ببرند، تفکر و تخیل خویش را تقویت کنند و تفکر چندجانبه را در خود پرورانند. این فرایند موجب بازنگری عمیق در ماهیت مشکلات و راه‌حل آن‌ها خواهد شد.

اطلاعات جغرافیایی فراوانند و به همین دلیل لازم است، اطلاعات تلخیص و برگزیده شوند. ابتدا باید مشخص شود که از این اطلاعات چه استفاده‌ای خواهد شد. آیا قرار است کتاب درسی نوشته شود یا می‌خواهند «سی‌دی» یا یک فیلم مستند تلویزیونی تهیه کنند؟ اطلاعاتی که ما در مورد جهان داریم، اغلب مخدوش، ناقص یا مغرضانه‌اند و همیشه با واسطه به ما می‌رسند. بنابراین، ما مجبوریم، در چگونگی استفاده و درکی که از آن‌ها داریم، توجه و دقت زیادی به خرج دهیم. این نتیجه‌گیری باید به ما در فهم و درک دانش جغرافیا کمک کند.

مرحله ۱: اطلاعات و دانش ما مخدوش، ناقص و همراه با غرض است.

ما از طریق تلویزیون، رایانه، روزنامه، کتاب (درسی و غیردرسی)، معلم، خانواده و دوستان خود، داده‌ها و اطلاعاتی به دست می‌آوریم. برخی از این اطلاعات و داده‌ها مخدوش، مبهم، ناقص یا همراه با غرض هستند.

مرحله ۲: دانش ما مشروط است.

نگرش و دیدگاه ما در استفاده از اطلاعات، نامشخص، وابسته

محیط‌های طبیعی و انسانی، به عنوان پایه و مبنای زندگی و منبع الهام و شگفتی، برای همه ما ارزشمندند. بر پایه این ارزش ما باید:

- مسؤلیت خود را برای حفظ محیطی سالم و پایدار در آینده بپذیریم.

- درک کنیم که مکان زندگی انسان در درون طبیعت قرار گرفته است.
- در قبال سایر محیط‌ها هم احساس مسؤلیت کنیم.
- توسعه عدالت اجتماعی را تقویت کنیم.
- هر جا که امکان دارد، تعادل و تنوع در طبیعت را تقویت کنیم.
- محدوده‌های زیبا و جالب را، برای نسل آینده هم حفظ کنیم.
- در صورت امکان، محیط‌هایی را که بر اثر توسعه زندگی انسان و سایر عوامل تخریب شده‌اند، بازسازی کنیم.

هرکس بینش و دیدگاه خاص خود را دارد و پدیده‌های جهان را براساس آن درک می‌کند. به عبارت دیگر، افراد واقعیت را در قالب و چارچوب فکری و ادراکی و طبق فرضیات خود تعبیر و

و غیر قطعی است؛ زیرا:

الف) تجربه ما (یا بی تجربه‌گی ما) ممکن است، در شکل دادن اطلاعات به روش‌های مخصوصی که ما احساس می‌کنیم، تأثیر بگذارد. از طرف دیگر، تجربه و احساس ما ممکن است در شرایط و زمان‌های مختلف تغییر کند.

ب) اطلاعات ما معمولاً کامل نیست. شواهد و تجربیات پیش‌تر یا کسب اطلاعات جدید، به طور مداوم دانش و آگاهی ما را نسبت به جهان تغییر می‌دهند.

مرحله ۳: دانش ما همیشه در حال گسترش است.

اطلاعات و دانش ما درباره جهان ناشی از نگرش و دیدگاه ماست. این نگرش و دیدگاه می‌تواند، بر اثر یادگیری، تا حد زیادی تغییر کند:

الف) از طریق تجربه و حواس (شنیدن، بویدن، دیدن، لمس کردن و...).

ب) از طریق فرایندهای درونی تفکر (آنچه که از طریق تجربه‌های گوناگون در موردشان فکر و آن‌ها را احساس می‌کنیم).

ابعاد اجتماعی جغرافیا

«بعد اجتماعی»، به بیانی ساده درباره اشکال اصلی جوامع و کارکرد اجتماعی بحث می‌کند. با مطالعه جغرافیا می‌توان پیشنهادات و راه‌حل‌هایی درباره موارد یادشده ارائه دهند. دانش‌آموزان باید درباره مکان زندگی خود و فرایندهای مؤثر در آن، به کسب اطلاعات دست بزنند و احتمالاً نقشی فعال در محیط پیرامون خود ایفا کنند. این ایفای نقش به ارزش‌های حاکم در جامعه و چگونگی ارزش‌ها، باورها و اعتقاداتی بستگی دارد که باید بیاموزند.

آموزش از گذشته تا به امروز، نقش فعالی در قبول ارزش‌ها، مقررات، باورها، پیشداوری‌ها و تعصبات داشته است. شاید افراد با شناخت واقعیت‌ها و آموزش جغرافیا بتوانند، به بسیاری از خواسته‌ها و نیازها پاسخ دهند، آن‌ها را درک کنند و با تجزیه و تحلیل مسائل، چگونگی ارتباط بین جامعه و آموزش را نشان دهند. در عصر حاضر، مسائلی همچون: سیاست‌های جهانی شدن، کارایی و نیازهای ما در برابر خطرات جهانی شدن فرهنگ و اقتصاد، تأثیر و تأثر متقابل اعتقادات و باورهای ما و این آسیب‌ها، به طور جدی مطرح هستند.

مهارت‌های شهروندی

سلامت و پویایی جامعه تا حد زیادی به شهروندانی وابسته است که برای مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی احساس تعهد و

مسئولیت کنند و از مهارت‌های لازم برای تصمیم‌گیری و عمل در امور اجتماعی و از آگاهی لازم در این زمینه، برخوردار باشند. به عبارت دیگر، افراد جامعه باید «جامعه‌پذیر» شوند. می‌دانیم که جامعه‌پذیری، فرایندی است که طی آن، افراد گرایش‌ها، ارزش‌ها و اعمالی را که به عنوان شهروند باید انجام دهند، می‌آموزند. برای تربیت شهروندانی مسؤول، علاوه بر شناسایی نهادهای مردم‌سالارانه، لازم است به اخلاق و حس مسئولیت در زمینه‌های گوناگون اجتماعی و فردی، محیط‌زیست، تندرستی و عدالت دست یافت. به این منظور باید برای شهروندان و دانش‌آموزان آموزش بین فرهنگی و چندفرهنگی در نظر گرفته شود. در واقع، هدف باید شناخت فرهنگ خودی و ارج نهادن به فرهنگ ملل همسایه و در نهایت، فرهنگ جهانی باشد.

آموزش «مهارت‌های شهروندی» به همه شهروندان ضروری است. ارتقای مهارت‌های ارتباطی گفت‌و شنود، همراه با توانایی کار کردن به عنوان عضوی از گروه برای رشد شهروندان جدید، کاری اصولی و بنیادی است. آموزش و پرورش باید شهروندانی را تربیت کند که:

- روحیه جست‌وجوی داشته باشند و بتوانند با دیگران ارتباط برقرار کنند.
- به مسائل جهانی بیندیشند.
- به ارزش‌های والای انسانی معتقد باشند.
- حافظ قانون و درست‌کار باشند.
- بتوانند به یاری درک سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود و با تفکر منطقی و نقاد، سرنوشت جامعه جهانی را بررسی و ارزیابی کنند.
- برنامه‌ریزی و آموزش صحیح به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا:
- مسئولیت شهروندی را درک کنند و به آن عمل نمایند.
- از قانون و فرایندهای قانونی و حقوقی اطلاع یابند.
- به مذاهب و فرهنگ‌های گوناگون احترام بگذارند.
- فرصت‌ها و امکانات مساوی را درک و از آن حمایت کنند.
- در فرایندهای مردم‌سالارانه مشارکت نمایند.
- درک ژرف و عمیقی از توزیع و مصرف نابرابر منابع داشته باشند.
- به حقیقت احترام بگذارند و از آن پیروی کنند.

تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری، ساز و کار اساسی در همه مسائل جغرافیایی است. در جغرافیا، تصمیم‌گیری تأثیرات خود را در پراکنندگی فضایی فعالیت‌های انسانی به شکل عینی ظاهر می‌سازد. شکل‌گیری محدوده‌های جغرافیایی، حاصل تصمیم‌گیری گروه‌ها، افراد و سازمان‌های دولتی و غیردولتی است. هر تصمیم‌گیری از یک

سیاست، جهان بینی و تفکر خاص تأثیر می پذیرد. یعنی، در هر تصمیم گیری شرایط محیطی، فرهنگی و اقتصادی تصمیم گیرندگان تأثیرگذار هستند. روشن است که در همه فرهنگ ها، ادراکات محیطی در تصمیم گیری های شخصی نقش اساسی دارند.

تفکر انتقادی و خلاق

دانش آموزان برای ورود به جهان پر از تغییر و تحول آینده باید مهارت های تفکر خلاق و انتقادی را بیاموزند تا بتوانند، تصمیم های مناسبی بگیرند و مسائل پیچیده را حل کنند. دانش آموزان باید به مهارت های تحقیق و پژوهش و حل مسأله مجهز شوند و روحیه جست و جوگری را در خود تقویت کنند. یکی از ابعاد مهم تربیت شهروندان، پرورش روحیه و توانایی انتقادگری اجتماعی در آنان است. انتقادگری اجتماعی، داشتن یک موضع فعال، حساس و پویا و منطقی در مقابل جامعه است؛ به نحوی که فرد مسائل و مشکلات اجتماعی را مورد نقد و بررسی قرار دهد.

زیر نویس

1. Lambert & Dowgill, 1999.
2. Working paper, SCAA 3/3418/1

منابع

۱. احمدی، غلامعلی. «کاربرد روش حل مسأله در آموزش علوم». فصل نامه تعلیم و تربیت، شماره ۶۵، ۱۳۸۰.
۲. برنامه ریزی در فرایند توسعه. ترجمه غلامرضا احمدی، سعیده شهابی. انتشارات ققنوس. ۱۳۷۴.
۳. تاجیک، محمدرضا. سخنرانی: دنیای نوین و جایگاه ارتباطات در آن. ۱۳۷۹.
۴. آموزش برای یک آینده پایدار. ترجمه حسن پویان. انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست. ۱۳۷۹.
۵. پاپلی بزدی، محمدحسین. «تکمله ای بر مقاله تعریف، مفهوم و دیدگاه های نازه از جغرافیا». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۶، ۱۳۶۹.
۶. دهقان، داریوش. «تربیت معلم، تعریفی نو برای آسیای نوین». فصل نامه پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۷۶.
۷. بی هندی، چارلز. عصر تضاد و تناقض. ترجمه محمود طلوع. مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. ۱۳۷۵.
۸. بی هندی، چارلز. عصر سنت گریزی. ترجمه عباس مخبر. انتشارات طرح نو. ۱۳۷۴.
۹. رابسون و ماتیسوس. کیفیت در آموزش و پرورش، ترجمه عربعلی رضایی. انتشارات دفتر همکاری های علمی، بین المللی وزارت آموزش و پرورش. ۱۳۷۸.
۱۰. رامشت، محمدحسین. «هزارتندهای فرهنگی». فصلنامه تحقیقات

جغرافیایی، شماره ۴۸، ۱۳۷۷.

۱۱. سلی، دیوید. آموزش جهانی. انتشارات یونیسِف. ۲۰۰۱.
۱۲. سی. جی. بارو. «توسعه پایدار: مفهوم، ارزش و عمل». ترجمه سیدعلی بدری. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۴، ۱۳۷۶.
۱۳. شایان، سیاوش. «همزیستی مسالمت آمیز از طریق آموزش جغرافیا». رشد آموزش جغرافیا، شماره ۵۱، ۱۳۷۸.
۱۴. شکویی، حسین. رشد اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا. انتشارات گیتاشناسی. ۱۳۷۷.

۱۵. علیجانی، بهلول. «اصول و قوانین در جغرافیا». رشد آموزش جغرافیا، شماره ۵۰، ۱۳۷۸، ص ۲۶-۲۰.

۱۶. عنان، کوفی. «سخنرانی در نود و هفتمین اجلاس سالانه انجمن جغرافی دانان آمریکا». ترجمه بهلول علیجانی. رشد آموزش جغرافیا، شماره ۵۸، ۱۳۸۰، ص ۳-۵.

۱۷. لیدستون، جاده. «موضوعات جهانی روزگار ما». ترجمه ناهید فلاحیان. رشد آموزش جغرافیا، شماره ۴۳، ۱۳۷۶.

۱۸. کلاوال، پل. «جغرافیای فرهنگی امروز». ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۴، ۱۳۷۶.

۱۹. کندی، پل. در تدارک قرن ۲۱ تا جهان ۲۰۲۵. ترجمه عباس مخبر. انتشارات طرح نو. ۱۳۷۲.

۲۰. «منشور بین المللی آموزش جغرافیا». ترجمه ناهید فلاحیان. شماره ۴۰، ۱۳۷۵، ص ۱۰-۴.

۲۱. عنان، کوفی. سخنرانی در نود و هفتمین اجلاس سالانه انجمن جغرافی دانان آمریکا. ترجمه بهلول علیجانی. شماره ۵۸.

۲۲. فرید، بدالله. شناخت شناسی جغرافیای انسانی. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر. ۱۳۷۹.

۲۳. محرم نژاد، ناصر. معیارهای توسعه پایدار شهری و ناپایداری های آن. بولتن شماره ۶، شوراها ی حفاظت محیط زیست، کمیته ملی توسعه پایداری، آبان ماه ۱۳۷۹، ص ۴۰-۶.

۲۴. وثوقی، فاطمه. «ایترنت، ناحیه بدون مرز». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۳، ۱۳۷۵.

۲۵. نفیسی، عبدالحسین. آموزش و پرورش ایران ۱۴۰۰. مجموعه ششم پژوهشکده تعلیم و تربیت. ۱۳۷۶، ص ۲۳-۱۳.

26. Lambert David & Balderstone. Learning to teach Geography in the Secondary School. Root Ledey falmer. 2000.